

سوال من رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سوال تو از نماز در روزه
 تحقیق گفت سوگند بآن خدای که ترا بر اسمی بخلق و ستاود
 که من نیامده ام الا از برای آنکه ترا سوال کنم از اینها پس رسول
 صلی الله علیه وسلم جوابی با نیست از سوالات می جوای گفت
 بعد از آن انصاری پرسش آمد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که تو
 خود از سوال خود چیزی میگی یا من خبر کنم انصاری گفت یا رسول الله
 تو خبر کن من فرمود که آیت تا از حج و روزه و عرفه و حلق شعوط
 سوال کنی انصاری گفت سوگند بآن خدای که معبودی بجز او
 که من نیامده بودم الا از برای سوال از اینها رسول صلی الله علیه وسلم
 جواب می نیز گفت **و از اجله الشک** که عمار بن یاسر رضی الله
 عنه گفته است که یا رسول الله علیه وسلم در سفری بودم چون در
 منزلی فرود آمدم من و لودمشک خود را گرفتیم تا آب بیارم رسول
 صلی الله علیه وسلم فرمود که ترا کسی از آب منع نخواهد آمد چون به
 جاه جاه آمدم مردی سباه آمد و گفت م الله که امر در یک لوات
 ازین جاه خواهی گرفت و مرا بگرفت و من اورا بگرفتم و در بگرفتم

دشک بینی و روی و پیر اینک تم بعد از آن مشک خود را بردم
 و پرسش رسول صلی الله علیه وسلم کردم فرمود که هیچکس بر سر آب
 پرسش این قصه را با از لغتم فرمود که هیچ میدانی که آن چه گس بود
 گفت منی فرمود که شیطان بود **و از اجله الشک** که والبسته
 برین مصدر رضی الله عنه گفته است که من پرسش رسول صلی الله علیه وسلم
 کردم و بفرمودم که هیچ خبر از اینکی و بدی نگذارم که از روی سوال
 نگم نزدیک وی جملستی بود نیز فرستم تا از ایشان بگذرم گفتند
 دور باش ای والبسته از رسول خدای تعالی گفتیم بگذارد که
 بوی نزدیک شوم که وی دوستترین کسی است بسوی من رسول صلی
 علیه وسلم فرمود **ادْنُ یا والبسته ادْنُ یا والبسته** نزدیک شدم
 چنانکه ترا بوی من برانوی و می شود فرستد که یا والبسته من ترخیز
 که از آنچه آمده تا از من برسی یا خود سوال میکنی گفتیم یا رسول الله تو خبر
 من مرا فرمود که آیت تا برسی مرا از نیکوی و بدی بعد از آن
 انگشتان مبارک بر سینم من زد و گفت یا والبسته ما والبسته
 استفت فلک استفت نفسک انما اطمان الله الصلوات

دشک بینی